



کاوشی در مفهوم فرهنگ روزمرگی از نگاه قرآن کریم



زهرا صرفی*



10.22034/JKSL.2024.426545.1281



دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹

محدثه کریمی نیا**



20.1001.1.27833356.1403.5.2.4.4



پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

مقاله: پژوهشی

چکیده

«روزمرگی» از اصطلاحات عصر مدرنیسم است و انسان مدرن را اسیر خود ساخته است. روزمرگی تکرار زندگی روزمره با اکتفا به اهداف پست و به دور از رشد است. نظر به فراگیر شدن چالش روزمرگی در دوران معاصر، این پژوهش در نظر دارد تا در چهارچوب روش تحلیلی توصیفی این مفهوم را در قرآن کریم توصیف کند. معادل لفظی صریح و روشنی برای اصطلاح روزمرگی در قرآن کریم وجود ندارد، اما با مطالعه و تحلیل آیات قرآن به دست می‌آید که طیف وسیعی از آیاتی که به زندگی دنیا و سبک زندگی مادی اشاره دارد، مشتمل بر مؤلفه‌های روزمرگی است. نکته حائز اهمیت آن است که انسان ناگزیر از زندگی روزمره است و این مسئله با روزمرگی تفاوت دارد؛ از این رو در قرآن کریم نیز این دو موضوع از یکدیگر تفکیک شده است. قرآن کریم انسان را از سرگرمی به تکرارهای بی‌ارزش و اهداف پست نهی می‌کند و از هرگونه توقف و ایستایی در گذر زمان و رشد نکردن، بلکه افول و سقوط نهی کرده است. این سرگرم شدن به امور روزمره و بی‌توجهی به رشد و کمال اصیل، انسان را از درک درست معنای حقیقی زندگی بازمی‌دارد و به افسردگی مبتلا می‌سازد. به میزانی که این نشانه‌ها در زندگی انسان نمایان شود، او به روزمرگی مبتلا شده است.



صفحه: ۷۸ تا ۱۰۳

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

sarfi@alzahra.ac.ir

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.



واژگان کلیدی: روزمرگی، روزمره، تکرار، اهداف پست، رشد نکردن.

استناد این مقاله

صرفی، زهرا و کریمی نیا، محدثه. (۱۴۰۳). کاوشی در مفهوم فرهنگ روزمرگی از نگاه قرآن کریم. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۵(۲)، ۷۸-۱۰۳. doi: 10.22034/jksl.2024.426545.1281





۱. بیان مسئله

روزمرگی یکی از مقولات مهم و مورد توجه در مطالعات فرهنگی اجتماعی دوران معاصر و از واژگان عصر مدرنیسم است. روزمرگی در دوران مدرن به بحران تبدیل شد؛ تا آنجا که انسان را از سوژگی انداخت و از وضعیت وجودی خود غافل نمود. با وجود این و به رغم آنکه مسئله روزمرگی در دوره معاصر صورت بندی شده و در ظرف مدرنیسم طرح و بسط یافته، زندگی بشر بر پهنه خاک همواره توأم با روزمرگی بوده است.

بی تردید این چالش با نوع نگاه انسان به زندگی در دنیا پیوند دارد. از نگاه آموزه های اسلامی، گرایش های زاهدانه یا راهبانه ای که به نفی زندگی می پردازد و به گوشه گیری و عزلت گزینی توصیه می کند، به شدت نفی می شود. از دیگر سو، اسلام مخالف گرایش های دنیا طلبانه انسان به زندگی است. این گرایش های دنیا طلبانه به طور ویژه بعد از رنسانس در جهان ترویج و توسعه یافت؛ اما بررسی انضمامی بیش از چهار قرن زندگی بشر بعد از رنسانس نشان می دهد که نه تنها زندگی اصالت نیافت، بلکه زندگی بشر با چالش های متعددی چون روزمرگی مواجه شد. پس از آن نیز زندگی همچنان معنای خود را باز نیافته و چیزی جز تکرار برای تکرار نیست. آیا زندگی انسان تلاش بی وقفه برای جمع آوری بیشتر متاع دنیا است؟ آیا هدف از زندگی آن است که مدتی را در این جهان به هر قیمتی زندگی کند یا هدف آن است تا با زندگی کردن قیمت بیابد؟ به نظر می رسد این مسئله در اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است، قرآن کریم کتاب هدایت است و انسان را به سوی کمال راهنمایی می کند؛ از این رو به هر آنچه که مانعی در مسیر کمال باشد، توجه لازم را دارد.

از جمله کتب و مقالاتی که در حوزه علوم اجتماعی تدوین شده و به مسئله «روزمرگی» پرداخته است، کتاب نقد زندگی روزمره^۱ از هانری لفسور، کتاب جامعه شناسی خانواده نوشته مرتضی منادی، مقاله «نظریه های زندگی روزمره» نوشته هاله لاجوردی و مقاله «مقابله با مرضی به نام روزمرگی» نوشته محسن شمیم زارع است؛ اما تاکنون پژوهشی با موضوع روزمرگی در قرآن کریم انجام نشده و در تفاسیر نیز به طور مستقل از آن سخنی به میان نیامده است. بنابراین پژوهش حاضر که از نوع تفسیر موضوعی است، تلاش دارد با روش توصیفی تحلیلی به این مسئله بپردازد

1. Critique of everyday life

و نگاه قرآن کریم به این مسئله را بیان کند. بر این اساس این پژوهش با مطالعه مستقیم آیات قرآن کریم برپایه پی‌جویی مؤلفه‌های مفهوم روزمرگی، مسئله روزمرگی را از نگاه این کتاب آسمانی تبیین می‌کند.

۲. واژه‌شناسی روزمرگی

معادل اصطلاح روزمرگی در زبان عربی «روتینیتة» است که در اصل، عربی نیست و از زبان انگلیسی وارد این زبان شده است. واژه Everydayness در زبان انگلیسی می‌تواند معادل روزمرگی باشد (هایدگر، ۱۳۹۲، ص ۵۸۵). این واژه از ترکیب کلمه everyday به معنای «روزمره» و پسوند ness تشکیل شده و به معنای عادی بودن، روزمره بودن، دنیوی بودن، مکرر و معمول بودن است (Normant, Lewis, ۱۲۶۱م). واژه روزمرگی در عربی قدیم معادل معنایی مشخص و دقیقی ندارد. بیشتر مفاهیمی مانند «عادت» به برخی از مؤلفه‌های معنایی آن اشاره می‌کند. عادت به معنای تکرار کار است تا حدی که آن کار برای انسان آسان شده و جزء طبیعت ثانویه او شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۶۶۷).

واژه «روزمره» در لغت‌نامه‌های فارسی به معنای متعددی آمده که عبارت است از: هر لفظ مشهور میان مردم، مکالمه هرروزه، وجه معاش، روزینه، بهره هرروزه، همیشه و هرروز (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۶۸۸)؛ امر روزانه، همه‌روزه، مقررری روزانه (شمیم، ۱۳۷۹، ص ۵۲۹)؛ روزانه، هرروزه، کار هرروز (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸۸؛ ایزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰؛ جلالی، ۱۳۵۴، ص ۸۴۴). در مجموع «روزمره» در لغت فارسی به معنای امر روزانه یا هرروزه است. عبارت روزمرگی از ترکیب کلمه «روزمره» با یاء نسبت تشکیل شده است. در زبان فارسی هرگاه کلمه‌ای به هاء غیرملفوظ ختم گردد و یاء نسبت به آخر آن افزوده شود، حرف هاء به حرف گاف تبدیل می‌شود و کلمه، معنای حاصل مصدری پیدا می‌کند. بر این اساس، «روزمرگی» اصطلاحی مستقل و جدید است که در کتب لغت با این معنا مورد توجه نبوده است. اصطلاح روزمرگی به‌طور مستقل در زبان فارسی بار معنایی منفی ندارد، لکن با توجه به سیاق جمله‌گاه بار معنایی منفی پیدا می‌کند.



۳. روزمرگی در اصطلاح معاصر

هانری لوفور^۱ فیلسوف فرانسوی مارکسیستی است که به مطالعات انتقادی زندگی روزمره، یعنی نقد یکی از مهم‌ترین ارکان سرمایه‌داری پرداخته است. به باور او زندگی روزمره انسان‌ها از نیمه قرن بیستم، تحت استیلای نظام سرمایه‌داری در آمده و این نظام برای حفظ منافع خود و جلوگیری از جنبش‌های انقلابی، با تبلیغات گسترده توسط رسانه‌ها، در ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها رسوخ و انسان را از شأن اصلی خود دور کرده است. نظام سرمایه‌داری به دنبال این فعالیت‌ها، ذهن افراد را بر مسائل پیش‌پاافتاده‌ای مانند پرداخت صورت حساب‌ها، پرکردن یخچال، پرداخت شهریه دانشگاه و مانند آن متمرکز کرده است که در نتیجه آن انسان‌ها روزمره شده‌اند و ناخودآگاه به بازتولید نقش‌هایی می‌پردازند که طبقه مسلط به آن‌ها تحمیل کرده‌اند. شاخصه‌های اصلی جامعه‌ای که افراد آن روزمره شده‌اند عبارت است از: داشتن کنش‌های مکانیکی و بی‌روح، مصرف‌گرایی بی‌رویه، فردگرایی و از خودبیگانگی.^۲ او نتیجه این روند را تبدیل شدن جامعه به جامعه تروریست می‌داند؛ یعنی جامعه‌ای که در آن وحشت، خشونت، قدرت‌طلبی و خیانت حاکم است و تمام افراد آن تروریست‌های بالقوه هستند که برای رسیدن به قدرت و برتری، دیگران را زیر پای خود له می‌کنند. او معتقد است انسان برای اینکه تبدیل به انسان شود، باید با بازشناختن توان‌های بالقوه خود و به کمک اخلاق و علم و هنر، خود را از قید روزمرگی رهایی بخشد (لاجوردی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳؛ امیری و رضناپور، ۱۳۹۱، صص ۱۳-۱۵؛ ثابت، ۱۳۹۱، صص ۲۲۰-۲۲۳). انتقاد لوفور، به شرایط بیگانه‌ساز زندگی روزمره برمی‌گردد. وی در اثر سه‌جلدی خود با عنوان نقد زندگی روزمره،^۳ از روزمرگی به‌عنوان عامل تخریب فرهنگ و تعاملات اجتماعی و

۱. او (Lefebvre, Henri) مورد توجه قرار گرفت. پیش از او جورج لوکاج (George Lukacs) با بحث از "شیء شدگی" و پیش از او هم مارکس (Karl Marx) در بحث از مقوله "بت‌وارگی" یا "از خود بیگانگی" به نوعی به مذمت زندگی روزمره پرداختند، اما لوفور با تمرکز بر مساله زندگی روزمره به نظریه‌پردازی اقدام می‌کند. وی نوشتن درباره زندگی روزمره را از سال ۱۹۴۷ آغاز کرد. او جلد اول کتاب نقد زندگی روزمره را در (۱۹۴۷) و جلد دوم را در (۱۹۶۲) و جلد سوم را در سال (۱۹۸۱) به زبان فرانسه نگاشت و در همان سال کتابی با عنوان "از مدرنیته تا مدرنیسم: برای یک فرافلسفه روزمرگی" نگاشت (برای مطالعه درباره هانری لوفور ن. ک: David Harvey)

۲. مفهوم از خودبیگانگی نخستین بار توسط هگل مطرح شده است، از خود بیگانگی یعنی دور شدن از حقیقت خود، البته باید توجه داشت در هر مکتب فلسفی تعریف از خود متفاوت است، در اسلام از خودبیگانگی به معنای فراموشی خداوند هست زیرا روح و حقیقت انسان از خداوند است و کسی که خداوند را فراموش کند در واقع از خود حقیقی اش دور شده است. (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۶۵)

3. Critique of everyday life

محیط فیزیکی مدرنیته، نقدی مارکسیستی ماتریالیستی ارائه می‌دهد، او می‌گوید: زندگی افراد به حدی دچار پیش‌پافتادگی شده است و تمام زندگی در مترو-کار-خواب خلاصه شده است که باید دقایق مکاشفه، خلوص عاطفی و ابراز وجود را به‌عنوان بنیانی برای اثبات خود مغتنم شمرد (برگرفته از کتاب شیلدنز، ۲۰۱۱م).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، یکی از آثار منفی و مخرب انقلاب صنعتی که گریبان‌گیر زندگی بشر امروز شده، روزمرگی است. از جمله نشانه‌های این نوع زندگی فردگرایی (به معنای اتکای بیش از حد به نیروی فردی)، تنهایی، افسردگی و رخوت است و از آفات آن مرگ خلاقیت (به‌سبب تکرار مکررات و فاصله گرفتن از ایده‌پردازی‌های نو)، ناامیدی و کسالت (به‌سبب نداشتن آینده‌نگری و اهمیت ندادن به زندگی)، خودکشی (به‌سبب بحران هویت ناشی از تکرارهای روزانه و تلقی بی‌ارزش بودن انسان)، مصرف‌گرایی (به‌سبب ارضا نشدن با رفع نیازهای سابق و تلاش برای پر کردن خلأهای زندگی)، طلاق (به‌سبب تنوع‌طلبی و تلاش برای معنادهی به زندگی از بیرون) و رسیدن به پوچی است (شمس زارع، ۱۳۹۳، صص ۲۸-۲۹). به نظر می‌رسد بوروکراسی و رسانه و ارزش‌هایی چون سرعت و نظم و لذت، با نهادینه کردن روزمرگی، فرصت کوچک‌ترین حرکت را هم از جریان زندگی روزمره انسان سلب کرده است. بر این اساس روزمرگی را می‌توان فقدان آگاهی و سوژگی انسان دانست و از این‌رو با غفلت همراه است. انسان مبتلا به روزمرگی به جای آنکه حرکت کند، حرکت داده می‌شود؛ همچنین روزمرگی بهره‌خاص بودن را از انسان سلب می‌کند و همه را در یک سطح و در شرایط مشابه قرار می‌دهد و با حذف همه غیرمنتظره‌ها، نظمی آهنین را بر زندگی بشر امروز حاکم می‌کند. از این‌رو برخی پژوهشگران روزمرگی را مجموعه‌ای از کنش‌ها و برنامه‌ریزی‌های یکنواخت حول محور امور پیش‌پافتاده و بدیهی دانسته‌اند که امور خارق‌العاده و وقایع بزرگ در آن هیچ تأثیری ندارد؛ بلکه در این نوع زندگی، تأکید بر شهوت‌رانی، معاشرت‌های سبک‌سرانه و حرف‌های بی‌قاعده است (فدرستون، ۱۳۸۰، صص ۱۵۹-۱۸۶). بنابراین روزمرگی طبق نظر پژوهشگران در اثر عواملی نظیر نداشتن بینش صحیح به زندگی، نداشتن خودشناسی و بحران هویت، نداشتن تفکر، نداشتن هدف، استیلای نظام سرمایه‌داری و هدایت کردن مسیر زندگی انسان‌ها در جهت منافع خود، تبلیغات رسانه‌ای و رسوخ آن در زندگی افراد و ارائه الگوهای ناصحیح، بی‌کاری، نداشتن قاعده صحیح برای زندگی و



نداشتن اراده و همت کافی به وجود می‌آید. از جمله آسیب‌های روزمرگی نیز افسردگی و ناامیدی، مصرف‌گرایی، کوتاه‌بینی و جهالت، فردگرایی و انحصارطلبی، قدرت‌طلبی به قیمت پایمال کردن حقوق دیگران، شهوت‌رانی و داشتن معاشرت‌های سبک‌سرانه و سرگرم شدن با خوشی‌های آنی و زودگذر، خشونت، رسیدن به پوچی و خودکشی است.

از چالش‌های مهم عرصه جامعه‌شناسی ارائه تعریف روشنی از مفاهیم و واقعیت‌های اجتماعی است. برای روزمرگی نیز که یکی از واقعیت‌های اجتماعی است، به جهت فراگیر بودن و گستردگی مفهومی آن، تعریف جامع و مانعی ارائه نشده است؛ اما براساس آنچه بیان شد، در یک نگاه فراگیر می‌توان گفت: «روزمرگی تکرار زندگی روزمره با اکتفا به اهداف پست و به‌دور از رشد است». بسیاری از نکات طرح‌شده درباره روزمرگی، در جایگاه عوامل یا آسیب‌های ناشی از روزمرگی قرار می‌گیرد. بر محور همین تعریف، در این پژوهش تلاش می‌شود تا با مفهوم روزمرگی در قرآن کریم آشنا شویم.

۴. تمایز «زندگی روزمره» از روزمرگی

توجه به تمایز بین مفهوم «زندگی روزمره» و روزمرگی امری لازم است. مفهوم زندگی روزمره از مباحث مهم دانش جامعه‌شناسی است؛ تا آنجا که شاخه‌ای از این دانش با عنوان «جامعه‌شناسی زندگی روزمره» به بررسی این مفهوم و مسائل پیرامون آن می‌پردازد. از نگاه برخی پژوهشگران، زندگی روزمره مجموعه‌ای از انگیزه‌ها و اعتقادات و کنش‌های فردی است (وریج کاظمی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۱) و بررسی زندگی روزمره یعنی توجه به تمام فعالیت‌های عادی و همیشگی انسان که در طول روز آن را انجام می‌دهد. بر این اساس، زندگی روزمره یک فرد در گذر تلاش‌های روزانه او، یعنی کارکردن و تفریح کردن و فعالیت‌های مختلف روزانه‌اش قابل شناسایی است (منادی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳). اما به نظر می‌رسد این اصطلاح به تعریف جامع‌تری نیاز دارد؛ زیرا به تمام رفتار، گفتار، افکار و عواطفی که روزانه در زندگی یک فرد یا گروه یا جامعه به‌طور معمول جریان دارد، اشاره می‌کند و عمدتاً به‌صورت خودکار و بدون خودآگاهی انجام می‌شود.

زندگی روزمره لزوماً عرصه وقوع تکرارهای بی‌ارزش نیست؛ بلکه می‌تواند بستری برای تعالی انسان باشد؛ اما متأسفانه بسیار رخ می‌دهد که زندگی روزمره به جای آنکه ساحتی باشد تا انسان در بستر آن به رشد و تعالی برسد، به مثابه زندانی درمی‌آید که انسان در آن اسیر شده و

بدون تفکر به انجام کارهایی پوچ و تکراری می‌پردازد. در این هنگام است که گفته می‌شود انسان دچار «روزمرگی» یا «هرروزگی» شده است. نتیجه آنکه اصطلاح «زندگی روزمره» در عین اینکه با روزمرگی پیوند بسیار وثیق دارد و بنیان آن است، از روزمرگی متفاوت است و مادامی که انسان یا گروه یا جامعه‌ای نشاط و خلاقیت خود را حفظ کند، مبتلا به روزمرگی نمی‌شود.

۵. روزمرگی در قرآن کریم

قرآن مجید در آیات متعددی به ابعاد مختلف خلقت انسان اشاره کرده است. انسان به حکم خلقت، نه بسان فرشته عقل محض و نه چون حیوان جسم محض است؛ بلکه هم مُلک و هم ملکوت در وجود او جلوه‌گر است؛ ازاین‌رو قهراً در انسان دو گرایش متضاد شکل گرفته است؛ گرایشی رو به بالا و گرایشی رو به پایین، گرایشی آسمانی و گرایشی زمینی. آنگاه خدا به انسان عقل و اراده بخشیده و او را در میان این دو راه مختار کرده است؛ ازاین‌رو انسان میان دو بی‌نهایت قرار دارد؛ از یک‌سو می‌تواند تا بی‌نهایت سقوط کند و از دیگرسو می‌تواند تا بی‌نهایت اوج بگیرد. آدمی در هر لحظه از عمرش، براساس امیال و اندیشه‌ها و کردارها به یکی از دوسو میل می‌کند. پس از نگاه قرآن کریم انسان می‌تواند به گونه‌ای زندگی کند که فراخور نیک‌بختی و بقای مرتبه «احسن تقویمی» باشد یا به گونه‌ای زندگی کند که نگون‌بخت و شقاوتمند گردد: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (تین: ۴-۵). ازاین‌رو قرآن کریم به توصیف انواع سبک زندگی‌ها پرداخته و نتیجه و عاقبت هر یک را بیان کرده است. بر این اساس هرچند معادل لفظی صریح و روشنی برای اصطلاح روزمرگی در قرآن کریم وجود ندارد، براساس مطالعه و تحقیق در آیات قرآن کریم به دست می‌آید، آیاتی که به سبک زندگی مادی و حیوانی پرداخته است، با مسئله روزمرگی پیوند دارد و مؤلفه‌های روزمرگی را نشان می‌دهد. این مطلب در شکل زیر ترسیم شده است.



۱-۵. اکتفا به اهداف پست و سرگرمی به تکرارهای بی‌ارزش

زندگی روزمره معطوف به نیازهای حیات جسم انسان در دنیا است. چنانچه در جامعه غربی این امر آشکار است (اسکندرلو، ۱۳۹۹، ص ۹). این زندگی از نگاه قرآن کریم مرحله پست حیات است که از آن در آیات متعددی به «الحیة الدنیا» تعبیر شده است. خداوند متعال در قرآن کریم به اعراض از دنیا طلبان امر کرده است: «فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (نجم: ۲۹). در بسیاری از آیات قرآن کریم ماده «م ت ع» در قالب کلمه «مَتَاع» و «تَمَتُّع» برای تبیین نوعی از سبک زندگی آمده است که هدف در آن، تنها بهره‌مندی‌های دنیوی صرف است و صلاح و رستگاری در آن راهی ندارد؛ بلکه نتیجه آن، طغیان و فراموشی خدا و فراموشی شأن انسانیت و گمراهی است. در واقع اشتغال به لذات دنیوی به نحوی است که انسان را از وجه اخروی خود دور می‌کند؛ از این رو این نوع سبک زندگی از نگاه قرآن مردود است:

«كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالاً وَأَوْلَاداً فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (توبه: ۶۹).

به باور برخی لغت‌شناسان، هرگاه در آیات قرآن کریم «تَمَتُّع» درباره دنیا ذکر شده، به معنای انذار و تهدید است؛ یعنی بهره‌مندی و برخوردارای که به دنبال آن سود اخروی وجود ندارد

(راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۹۱). پیروان این سبک زندگی، بهره‌ای جز لذت‌های آنی و آرزوهای واهی ندارند و دلبستگی ایشان به لذات پست، شأنشان را در حد حیوانات پایین می‌آورد: «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَمْتَعُوا وَيُلْهِيَهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (حجر: ۳). ساختار مضارع افعال «يَأْكُلُوا» و «يَمْتَعُوا» نشان‌دهنده استمرار حرکت آن‌ها در این مسیر و اسارتشان در چنبره چنین تکرارهایی است. بر این اساس در آیات دیگر هم با کاربرد فعل مضارع بر این نکته تأکید می‌کند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ» (محمد: ۱۲). اما این تمتع و بهره‌گیری از دنیا و غرق شدن در لذت‌های آنی و پست، دلخوشی به تکرارهای بی‌ارزشی است که سودی برای ایشان نخواهد داشت: «أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ * ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ» (شعراء: ۲۰۵-۲۰۷).

لازم به ذکر است که صاحبان نگرش و سبک زندگی مادی لزوماً افراد مرفه و برخوردار جامعه نیستند؛ بلکه به سخن امام علی علیه السلام گروهی بسان گوسفندان پروار مرفهند و گروهی بسان گوسفندانی که در پی آب و علف در بیابان‌ها می‌گردند، نامرفهند؛ اما هر دو گروه هم و هدفشان شکم است (نهج البلاغه، نامه ۴۵). از این رو در آیات متعددی از قرآن کریم افرادی که چنین سبک زندگی‌ای را برگزیده‌اند، به چارپایان و حیوانات تشبیه شده‌اند. چنین انسان‌هایی گوش به فرمان شهوت خود خواهند بود؛ پس اکتفایشان به دنیا هم‌تشان را کوتاه می‌سازد و دنیایی که قرار بود تا وسیله و مقدمه سعادت و کمال ایشان باشد، در جایگاه هدف قرار می‌گیرد و همه هم و غم چنین انسان‌هایی بهره‌گیری بیشتر از لذایذ دنیوی خواهد بود: «وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ * الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» (ابراهیم: ۲-۳)، افراد دنیاطلب افراد کوتاه‌بینی هستند که توان درک فراتر از حیات دنیا را ندارند: «وَلَمْ يَرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ» (نجم: ۲۹-۳۰) و حیات نقد دنیا را می‌پسندند: «وَلَا تُطْعَمُهُمْ أَيْمَاءٌ أَوْ كُفُورًا * ... إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ» (انسان: ۲۴ و ۲۷).

قرآن کریم در پاسخ به این سؤال که «مگر از زندگی روزمره گریزی است که باید در پی نوع دیگری از زندگی بود؟ مگر نه آنکه اکثر مردم در زمان‌ها و مکان‌های مختلف زندگی روزمره دارند و حتی انبیای الهی نیز زندگی روزمره داشته‌اند؟»، میان زندگی روزمره و روزمرگی تمایز گذاشته است. بی‌تردید هر انسانی، ناگزیر از زندگی روزمره و لوازم آن است؛ زیرا خداوند متعال سنت ثابتی دارد و راه تعالی و شکوفایی استعدادهای بالقوه آدمی را در همین ظرف دنیا قرار داده



است؛ از این رو مؤمنان از نعمت‌ها و لذایذ دنیوی بهره می‌گیرند: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (اعراف: ۳۲) و بهره خود را از دنیا فراموش نمی‌کنند: «وَلَا تَتَسَنَّسْ بِتَسْبِيحِكِ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷). بر این اساس روشن می‌شود که قرآن کریم زندگی در دنیا و انجام اشتغالات روزمره را مذمت نکرده است. از نگاه قرآن دنیا و لوازم آن در صورتی مذموم است که این امور هدف قرار گیرد؛ به نحوی که انسان را از امور مهم‌تر باز دارد و اشتغال به آن‌ها حجابی بین انسان و نیل به حقیقت زندگی گردد. به عبارت دیگر هرچند از نگاه قرآن کریم، صرف بهره‌گیری از دنیا کار نکوهیده‌ای نیست، غرق شدن در لذات مادی و فراموشی خدا و روز رستاخیز و خروج از هنجارها و ارتکاب گناه نکوهیده است. از نگاه قرآن کریم، شایسته است انسان قدر حیات را که موهبتی الهی است، بداند و با به کار بردن دانش و برنامه‌های قرآنی، به حیات طبیعی‌ای که پروردگار عالم برای او در نظر دارد، برسد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷). بر این اساس لحظه‌لحظه عمر انسان ارزشمند است و انسان باید آگاهانه این لحظه‌ها را برای رشد خود به کار گیرد؛ اما انسان معمولاً فریفته دنیای مادی می‌شود و زندگی او معطوف به رفع حوایج مادی و تأمین غرایز طبیعی می‌گردد و با سرگرم شدن به دنیا از توجه به سعادت حقیقی خود باز می‌ماند؛ از این رو خداوند متعال در آیات متعددی به انسان هشدار می‌دهد که مبادا فریفته دنیا شوند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (فاطر: ۵). همچنین قرآن در آیات فراوانی از اشتغال به مظاهر دنیوی و گرفتار شدن در دام آن‌ها نهی می‌کند؛ بنابراین از نگاه قرآن کریم از زندگی روزمره گریزی نیست، اما روزمرگی که نوعی سبک زندگی مادی یکنواخت بر مبنای تکرار امور زندگی روزمره و اکتفای به اهداف مادی و پست است، مطرود است؛ از این رو قرآن مؤمنان را از آن برحذر داشته است. افزون بر آن، خداوند از همنشینی و نزدیکی با صاحبان چنین سبک زندگی‌ای بر حذر داشته است: «فَاعْرِضْ عَنْ مَن تَوَلَّىٰ عَن دُكْرِنَا وَ لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * ذَلِكُمْ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن اهْتَدَىٰ» (نجم: ۲۹-۳۰).

۱-۵. دوری از کمال اصیل انسانی و تلاش برای معنادگی به زندگی از بیرون

از نگاه قرآن کریم، هرکس تنها طالب دنیا و زینت‌های آن باشد، از آخرت محروم می‌شود:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا نُوفَ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ» (هود: ۱۵). خداوند متعال در این آیه و آیات دیگر، از دنیا و متاع آن تعبیر به «زینت» کرده است: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۴۶). در برخی آیات دیگر، این تعبیر در قالب فعل مجهول به کار رفته است تا در عین اشاره به دلربایی ظاهری آن، حقیقی بودن این زینت را نفی کند:

«زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَتَابِ» (آل عمران: ۱۴).

خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (بقره: ۲۱۲). توضیح آنکه حکمت خداوند متعال اقتضا می‌کند دنیا محل و نعمت‌های دنیوی ابزار آزمایش انسان باشد؛ از این رو باید در ظاهر از جاذبه لازم و کافی برخوردار باشد تا انسان با گذشتن از آن، ظرفیت لازم برای رشد را بیابد. اما انسان‌ها غرق در این نعمت‌های فانی و لذات آنی می‌شوند و از حقیقت امر غافل می‌گردند؛ درحالی‌که هر انسانی می‌تواند با اندکی تأمل، متوجه فریبنده بودن این ظواهر دلربا گردد؛ از این رو در بسیاری از آیات قرآن کریم امر به تعقل و تفکر شده و گاه به وضوح ریشه گناهان را تعقل نکردن معرفی کرده است (انعام: ۱۵۱).

مسئله‌ای که در اینجا به ذهن می‌رسد آن است که مظاهر دل‌فریب دنیا که دل‌بستگی و دل‌مشغولی به آن انسان را دچار روزمرگی می‌کند و از شأن اصلیش باز می‌دارد و برای سرگرمی و معنادگی کاذب به زندگی آدمی را گرفتار خود می‌سازد، کدام است؟ قرآن کریم در پاسخ به این سؤال می‌فرماید:

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتْرَةً مُمْصِرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (حدید: ۲۰)

این آیه دل‌بستگی به مظاهر پنج‌گانه و فریبنده دنیوی را نفی می‌کند تا مبدا این‌ها در زندگی هدف انسان قرار گیرد. از نگاه این آیه، زندگی دنیوی عرضی و همانند سرابی است که زایل



می‌شود و از یکی از خصال پنج‌گانه لعب، لهو، زینت، تفاخر یا تکاثر خالی نیست.^۱ همه این‌ها همان موهوماتی است که نفس آدمی بدان و یا به بعضی از آن‌ها تعلق خاطر می‌یابد، اما هیچ‌یک از آن‌ها برای انسان کمال نفسانی و خیر حقیقی ندارد (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۹، ص ۱۶۴). در مجموع قرآن کریم، چهار مرتبه بر لهو و لعب بودن دنیا در قالب حصر تأکید کرده است (انعام: ۳۲؛ عنکبوت: ۶۴؛ محمد: ۳۶؛ حدید: ۲۰). «لعب» امری است که در عین تمایل به آن و لذت بردن از آن، انجام آن منظور مفیدی در پی ندارد. «لهو» هم امری سرگرم‌کننده است و فرد را از امور مهم‌تر باز می‌دارد. در این رابطه به این دو آیه توجه کنید: «أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ» (تکاثر: ۱) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقون: ۹). از ویژگی بازی و سرگرمی جذابیت آن است؛ از این رو توصیف دنیا به لهو و لعب با عبارت پایانی آیه بیستم سوره حدید که دنیا را «متاع غرور» (فریبنده) نامیده، کاملاً هماهنگ است. افزون بر این قرآن در فاصله میان این دو موضوع، تمثیلی بسیار زیبا بیان کرده و در قالب آن به خوبی حالات انسان فریفته دنیا را از آغاز تا انجام به تصویر کشیده و فرموده است که حال چنین انسانی به کشاورزی می‌ماند که بارش باران و رویش زراعتش او را سرخوش ساخته است، اما کم‌کم زراعت او رو به زردی می‌گذارد تا آنجا که خشکیده و درهم شکسته شود و باد آن را به اطراف پراکنده سازد و اثری از آن نماند. بر این اساس از نگاه قرآن کریم انسانی که به زندگی روزمره و رفع نیازهای مادی اکتفا کند، از کشته خود بهره‌ای نبرده و رنج بی حاصل کشیده است:

«وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَيْتُمْ طُبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْرَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ»
(احقاف: ۲۰)

پس در روز قیامت آن‌گاه که آتش دوزخ بر کافران و دنیاطلبان عرضه می‌شود، به آن‌ها گویند: آن ابزارها و نعمتهایی که در دنیا به شما داده شد، اعم از نعمت خارجی مثل مال و ثروت، و نعمت باطنی مثل عقل، این‌ها را در غیر محل خود صرف گردانیدید؛ حال آنکه بایستی با آن‌ها

۱. به باور برخی مفسران این آیه به دوران مختلف زندگی انسان (کودکی و نوجوانی، جوانی و بزرگسالی) اشاره داشته و بیان می‌کند که در هر دوره‌ای از عمر، یکی از جلوه‌های دنیا، انسان را مشغول می‌کند؛ دوران کودکی و نوجوانی، مشغول لهو و لعب است، دوره جوانی، در فکر زینت و زیبایی و دوره میان‌سالی و پیری، گرفتار تفاخر و تکاثر است (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۹، ص ۱۶۴).

سعادت، فضیلت و کمال انسانی خود را کسب می‌کردید؛ اما کفران نعمت کردید و تمام آن‌ها را صرف تمتّعات نفسانی نمودید (بانوامین، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۳۸). پس ایشان حق بلکه ظریفیت و توان بهره‌مندی از لذایذ اخروی را نخواهند داشت؛ از این رو برخی مفسران اشاره کرده‌اند که التذاذ از نعمت‌های اخروی از شئون صفای روانی و نورانیت است و اختصاص به اهل ایمان دارد و کفران در اثر خبیث ذات و محرومیت از رحمت پروردگار، جز از عقوبت دوزخ و آتش حسرت روانی بهره‌ای نخواهند داشت (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۲۶۳). افزون بر آنکه این سراب فریبنده که انسان با دل بستن به آن از یاد خدا که مایه حیات حقیقی است، غافل می‌شود، در همین زندگی مادی و دنیوی نیز او را دچار سختی و تنگی می‌سازد: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَبِأَنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه: ۱۲۴) که روزمرگی و آسیب‌های آن نمونه این ضیق و سختی است.

۵-۲. دون‌همتی و رشدنیافتگی

انسان با موجودات دیگر در دغدغه برای زیستن و دوام آن اشتراک دارد، اما دغدغه ارزشمندی زندگی، خاص انسان است. انسان به‌طور ذاتی میل به کمال دارد و ایستایی و توقف مطلوب او نیست و می‌خواهد رو به جلو حرکت کند و پیش رود، اما به جهت غرق شدن در زندگی روزمره و پیدایش و غلبه برخی ویژگی‌ها، از جمله لذت‌جویی و راحت‌طلبی، از این میل ذاتی فاصله می‌گیرد؛ در نتیجه خواسته‌های محدود و همت او مصروف امور پست نظیر شکم و شهوت می‌شود و آنگاه به توقف و ایستایی در گذر زمان، بلکه حتی سقوط از مرتبه انسانی مبتلا می‌گردد. پس ارزش هر انسانی به اندازه خواسته‌های اوست^۱ (نهج‌البلاغه، ص ۴۷۷). بنابراین اگر خواسته‌های انسان محدود به خوردن و شهوترانی باشد، هم‌شان چهارپایان خواهد بود و البته این امر از ارفع تکلیف نمی‌کند و مطلوب عقل نیست؛ زیرا تکلیف است که تشریف را به دنبال دارد (قشیری، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۶۳).

دون‌همتی در برابر علو همت یا همت بلند و به معنای پستی طبع و کوتاهی همت در طلب امور بزرگ و اکتفا کردن به امور جزئی و نتیجه ضعف نفس است (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸). افراد دون‌همت به خواسته‌های پست و به عبارت دیگر به مظاهر و جلوه‌های دنیا راضی می‌شوند.

۱. قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ



خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید: «ذَرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهَيْمُ الْأَمْلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»^۱ (حجر: ۳) و «فَذَرُّهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ» (زخرف: ۸۳) و «فَذَرُّهُمْ فِي عَمَزَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ» (مؤمنون: ۵۴). این آیات حاوی پیام هشدارآمیزی برای دنیاطلبان است که هرچه خواهند بکنند، اما به‌زودی نتیجه عمل خود را می‌بینند.

از نگاه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، انسان باید به اصلاح آخرت و اصلاح آنچه به آن مکلف است، بپردازد و از دل بستن به دنیای فانی بپرهیزد و جسمش را که روزی خورِ خوان الهی است، با معصیت در معرض خشم او قرار ندهد؛ بلکه به کسب مغفرت الهی مشغول گردد و همت خود را در راه طاعت او مصروف سازد؛ زیرا با توجه به دنیا بهره آخرت از دست می‌رود و خواسته‌ها ناکام می‌ماند، اما با توجه به آخرت بهره دنیا محفوظ می‌ماند و خواسته‌های اخروی حاصل می‌شود^۲ (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۰۷؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۲، ص ۱۰۴). پس باید در اندیشه آخرت بود تا دنیا خوار و فروتن حاضر شود (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۵). چگونه همت انسان متوجه خداوند متعال و آخرت نباشد؛ درحالی‌که چه بخواند یا نخواند رو به‌سوی او دارد و در محضر او حاضر خواهد کتبه مهم آن است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «آن فریفته‌ای که به اوج آمال خود در دنیا دست یابد، همچون کسی نیست که به کمترین بهره خود از آخرت دست یابد»^۳ (نهج البلاغه، ص ۵۴۰).

۳-۵. غفلت از معنای واقعی زندگی

هر انسان در برشی معین از زمان به نام «عمر» در این دنیا حضور دارد و به محض ورود به دنیا شمارش معکوس برای رسیدن به نقطه پایان شروع می‌شود و انسان در این محدوده زمانی عمر فرصت دارد تا سعادت یا شقاوت را برای خود رقم زند. پس انسان این اختیار و اراده را دارد که آن‌گونه که دلخواه اوست، در این جهان زیست کند. این انتخاب وابسته به نگاه او به زندگی است. بر همین اساس پرسش از چرایی زیستن بنیادی‌ترین مسئله و چالش در زندگی انسان است.

۱. از نکات قابل توجه در این آیه کاربرد فعل یلهیم است که پژوهشگران آن را به معنای اشتغال به امری و بازماندن از امر مهمتر دانسته‌اند (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۷۴۸).

۲. أَيُّهَا النَّاسُ أَقْبَلُوا عَلَيَّ مَا كَلَّفْتُمُوهُ مِنْ إِصْلَاحِ آخِرَتِكُمْ وَ إِبْرَاضِ عَمَّا ضَمِنَ لَكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ وَ لَا تَسْتَعْمِلُوا جَوَارِحَ عَدِيَّتِ بِنِعْمَتِهِ فِي التَّعَرُّضِ لِسَخَطِهِ بِمَعْصِيَتِهِ وَ اجْعَلُوا شُغْلَكُمْ فِي التَّمَاسِ مَغْفِرَتِهِ وَ اضْرَفُوا هِمَّتَكُمْ بِالتَّقَرُّبِ إِلَى طَاعَتِهِ مَنْ بَدَأَ بِنَفْسِهِ مِنَ الدُّنْيَا فَاتَتْهُ نَفْسُهُ مِنَ الْآخِرَةِ وَ لَمْ يُدْرِكْ مِنْهَا مَا يُرِيدُ وَ مَنْ بَدَأَ بِنَفْسِهِ مِنَ الْآخِرَةِ وَ صَلَّ إِلَيْهِ نَفْسُهُ مِنَ الدُّنْيَا وَ أُدْرِكَ مِنَ الْآخِرَةِ مَا يُرِيدُ

۳. مَا الْمَغْرُورُ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الدُّنْيَا بِأَعْلَى هِمَّتِهِ كَالْآخِرِ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الْآخِرَةِ بِأَدْنَى سَهْمَتِهِ

اینکه چرا من هستم و چرا باید زندگی کنم؟ در سبک زندگی غیراصیل و مادی تلاش می‌شود که این دغدغه فراموش شود؛ با اشتغال پیوسته، با کار و با سرگرم شدن به شهوت‌ها.

درواقع ناآگاهی از فلسفه حقیقی حیات یا غفلت از آن سبب می‌شود که انسان به زندگی دنیا دل خوش کند: «وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (رعد: ۲۶). از نگاه قرآن کریم، انسان با غفلت از معنای حقیقی زندگی، تنها متوجه ظاهر دنیا می‌گردد و به باطن آن که مزرعه آخرت است، توجه نمی‌کند: «يُعَلِّمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم: ۷)؛ از این رو به دنیا و متاع دنیا متمایل و مشتاق می‌گردد و از خدا غفلت می‌کند؛ پس تابع هوای نفس خود می‌شود و در این هواپرستی افراط می‌ورزد: «تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطْعَمَنَ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ دِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (کهف: ۲۸). چنین شخصی دچار تکبر می‌شود و به آیات الهی ایمان نمی‌آورد و از آن‌ها روی گردان می‌شود؛ بلکه در راه و مسیر رشد حرکت نمی‌کند: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۴۶). پس همنشین شیطان می‌گردد: «وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُفِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» (زخرف: ۳۶) و قوای ادراک و تمییز او از کار می‌افتد: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹). چنین فردی نه تنها در اندیشه رشد و تعالی نیست، بلکه اگر مسیر رشد را به او نشان دهند، آن را بر نمی‌گزیند: «وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا» (اعراف: ۱۴۶). چنین فردی تنها پس از مرگ از خواب غفلت بیدار می‌شود: «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق: ۲۲) و به غفلت و ظلم خود اعتراف می‌کند: «يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ» (انبیاء: ۹۷)، اما خیلی دیر است و آن روز، روز حسرت اوست: «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (مریم: ۳۹).

بر همین مبنا در بخش پایانی آیه بیستم سوره حدید، بعد از آنکه مظاهر پنج‌گانه دنیا را مناسب هدف‌گذاری ندانست، می‌فرماید: «وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ». بر این اساس هرگاه انسان در برخورداری از دنیا آن را وسیله شکوفایی ظرفیت‌های روحی خود و قرب



الهی قرار دهد، در آخرت از رضوان الهی بهره‌مند می‌شود؛ اما اگر دنیا را هدف قرار داد و همت خود را صرف لعب، لهو، زینت، تفاخر یا تکاثر کرد، در آخرت گرفتار عذاب شدید خواهد شد؛ زیرا: «وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أُعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (احقاف: ۱۹)؛ یعنی انسان در اعمال خود مختار است و در آخرت جایگاه هر انسانی ناشی از عمل او در دنیا است و به کسی ظلم نمی‌شود. پس اگر انسان در بیراهه افتاد و در اثر اغواء شیطان و نفس اماره، گوهر و حقیقت وجودی خود را نه تنها رشد نداد، بلکه آن را تباه کرد و ناخود خود را فریبه نمود، زیان‌کار است و اعمالش منشأ عذابش می‌گردد و آتش جهنم وجودش فرا می‌گیرد.

بی‌تردید مهم‌ترین عامل ایجاد رشد و پویایی در زندگی انسان آرمان‌ها یا اهداف اوست. انسان در صورتی از یک زندگی توأم با رشد بهره‌مند می‌شود که آگاهانه برای خود آرمان برگزیند؛ زیرا ارزش یافتن زندگی، دستیابی به کمالات متعالی است و نیز کنترل خود طبیعی با تکیه بر آرمان ممکن می‌شود. هر چند ممکن است آرمان‌های دنیوی نظیر علم، ثروت، مقام، شهرت، لذت جنسی و دیگر شهوت‌ها بتواند در زندگی دنیوی رشد و پویایی ایجاد کند، قادر نیست انسان را از اسارت خود طبیعی (نفس اماره) رهایی بخشد و در مسیر رشد حقیقی برای رسیدن به کمال شایسته رهنمون سازد. با وجود این، بسیاری از انسان‌ها سبک زندگی مادی را که برخاسته از نگرش مادی به زندگی است، برگزیده و دستیابی به دنیا و متاع دنیا را هدف زندگی خود قرار داده‌اند: «كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ» (ابراهیم: ۲؛ انسان: ۲۷)؛ در حالی که از نگاه قرآن کریم متاع دنیا کم‌ارزش است و شایستگی هدف بودن را ندارد: «أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (توبه: ۳۸). در این سبک زندگی، حیات حقیقی و اصیل با توجه تام به حیات نقد مادی از یاد می‌رود و این اندیشه حاکم است که انسان با مرگ از بین می‌رود. به این آیات توجه کنید: «وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ * الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» (ابراهیم: ۲-۳)، «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا» (جاثیه: ۲۴)، «وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» (انعام: ۲۹) و «إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» (مؤمنون: ۳۷). پس انسان تا زنده است، باید از انواع لذایذ مادی اوج بهره را ببرد. به سخن دیگر این سبک زندگی بر شهوت‌رانی و مال‌اندوزی و لذت‌جویی تأکید می‌کند. سرانجام اینکه این نوع زندگی انسان را از تعالی و ارزش‌های فکری و روحی دور می‌کند، ارزش‌ها و آرمان‌هایی که حیات انسان را



به یک حرکت هدفمند تبدیل می‌کند؛ زیرا به‌طور معمول زندگی چنین فردی بر محور نیازهای مادی و تأمین آن‌ها دور می‌زند و درگیر تکرارهاست. گاه یک مسئله یا حادثه انسان را متوجه این تکرارها می‌کند. در این هنگام حتی اگر زندگی مادی موفق داشته باشد، از این تکرارها احساس خستگی و سرخوردگی و پوچی می‌کند. آمار خودکشی در میان اقشار مرفه جوامع مختلف، مؤید این مطلب است.

اگر قرآن به زندگی انسان وارد شود، مهم‌ترین دغدغه‌ای که برای او ایجاد می‌کند، دغدغه‌ی چگونه زیستن است. در قرآن کریم عبودیت الهی به‌عنوان بنیاد سبک زندگی مطلوب معرفی شده است (ذاریات: ۵۶). توقف و رکود هرگز در این سبک زندگی راه ندارد؛ زیرا وقتی آرمان انسان عبودیت باشد و در پی آن باشد که به قرب الهی برسد، باید از تمام صفات کمال الهی الگو بگیرد و آرام‌آرام با تجلی به این صفات، در حد خودش رشد کند؛ از این رو قرآن کریم نه تنها انسان را در مسیر رشد حرکت می‌دهد و به رشد توصیه می‌کند، بلکه به افزون‌طلبی در کمالات فرامی‌خواند: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴). روایات نیز بر این نکته تأکید می‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هرکه در روزش یکسان باشد، مغبون است... هرکه فردایش بدتر از دیروز او باشد، محروم است. هرکه چون دنیایش تأمین شود، دیگر به خیر آخرت خود اهمیتی ندهد، هلاک است. هر که به کاستی وجود خود رسیدگی نکند، خواهش‌های نفس بر او چیره شود و هرکه در کاستی باشد، مرگ برایش بهتر است». (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۹۳).^۱ این تعابیر زیبا روشن می‌کند که در مکتب اهل بیت علیهم السلام مؤمن همواره باید از وضع موجود به سمت وضع مطلوب سیر کند و هرگز در هیچ مرتبه‌ای دچار رکود و توقف نشود. این مهاجرت پیوسته از وضع موجود به وضع مطلوب، مهم‌ترین عامل رشد و شکوفایی استعدادها و رسیدن او به مراتب کمال خواهد بود.

۱. مَن اعْتَدَلَ يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ *** مَن آخِرْتَهُ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ فَهُوَ هَالِكٌ ، وَمَن لَّمْ يَتَعَاهَدِ النَّقْصَ مِن نَفْسِهِ غَلَبَ عَلَيْهِ الْهَوَى ، وَمَن كَانَ فِي نَقْصٍ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ .



نتیجه‌گیری

۱. روزمرگی در قرآن کریم که نسخه‌ی شفابخش آلام بشری و راهنمای سعادت انسان است، در قالب یک اصطلاح مشخص به کار نرفته، اما قرآن به شیوه‌ی خود به این درد توجه کرده و در ضمن گستره‌ی وسیعی از آیات، به مؤلفه‌های مختلف آن پرداخته و انسان را از گرفتار شدن در دام این معضل بر حذر داشته است؛

۲. از نگاه قرآن کریم انسان برترین مخلوق هستی و دارای استعدادهای بی‌شمار است و دنیا ظرف و ابزاری برای شکوفایی استعدادهای او شمرده می‌شود؛ بنابراین دنیا فی‌نفسه فاقد بار ارزشی مثبت یا منفی است، اما وقتی این ظرف و ابزار برای انسان هدف می‌شود و در نتیجه او حقیقت و جودی خود را فراموش می‌کند، آنگاه قرآن کریم چنین دنیایی را مذموم می‌شمرد. از نگاه قرآن غرق شدن در دنیا آفات بسیاری دارد که یکی از این آفات، روزمرگی و اسیر شدن در دام تکرارهای بی‌ارزش و اهداف پست است.

۳. دنیا صرفاً ظرفی برای رشد انسان است؛ پس متاع دنیا توان سیراب کردن روح کمال‌طلب او را ندارد؛ از این‌رو دلبستگی به دنیا و مظاهر دنیوی و هدف قرار دادن آن‌ها حتی با فرض دستیابی تمام و کمال به آن، انسان را آرام نمی‌سازد و به سعادت نمی‌رساند؛ حتی اگر خود نیز بر آن واقف نباشد؛ زیرا زندگی انسان محدود به دنیای مادی نیست و در نتیجه برخورداری تمام و کمال از مادیات هم نمی‌تواند آرامش و رضایت حقیقی را برای او به ارمغان آورد. پس هرگاه فرصتی برای اندیشه‌آدمی فراهم شود یا تلنگری بخورد، ممکن است این درد سر برآورد و آن را دریابد؛ از این‌رو قرآن کریم از سرگرمی به تکرارهای بی‌ارزش و اهداف پست و هرگونه توقف و ایستایی در گذر زمان و رشدنیافتگی نهی کرده و به میزانی که انسان به این آفات مبتلا یابد، به روزمرگی دچار شده است.

کتاب نامه

- قرآن کریم. (فولادوند، مترجم).
- نهج البلاغة (للصحي صالح).
- ابن بابويه، محمد بن علي. (۱۳۷۶). الأملی (للصدوق). نسیم کوثر.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ ق). عدة الداعي ونجاح الساعي. مؤسسة المعارف الاسلامية.
- اسکندریلو، محمد جواد. (۱۳۹۹). سبک زندگی اسلامی و غربی؛ مبانی و رویکردها. قرآن و علم، ۱۴(۲۷)، ۹-۲۸.
- doi: 10.22034/QVE.2021.5354
- امیری، نادر و رضایور، آرش. (۱۳۹۱). هانری لوفر و تولید اجتماعی فضا. فرهنگ و رسانه، ۲(۴)، ۱۸-۱.
- امین، نصرتبیگم. (بی تا). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی تا.
- ایزدی، لادن. (۱۳۸۹). لغت نامه صبا. ادیب.
- بروجردی، آقا حسین. (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعة (للبروجردی). نشر الصحف.
- ثابت، سارا. (۱۳۹۱). هنر شهر را پس میگیرد. سوره اندیشه، ۱۰(۶۴-۶۵)، ۲۲۰-۲۲۳.
- جلالی، تهمورس. (۱۳۵۴). فرهنگ پایه وژه های پارسی و بیگانه زباند در زبان فارسی. کتابخانه ابن سینا.
- حسینی همدانی، محمد. (۱۴۰۴ ق). انوار درخشان در تفسیر قرآن. انتشارات لطفی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن. دار القلم.
- شمس زارع، محسن. (۱۳۹۳). مقابله با مرضی به نام روزمرگی. اصلاح و تربیت، ۱۹(۱۴۸)، ۲۸-۲۹.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۷۹). لغت نامه شمیم (عصمت اسماعیلی، مصحح). مدیر.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۰۲ ق). المیزان في تفسیر القرآن. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طیب، عبدالحمین. (۱۳۶۹). اطیب البیان في تفسیر القرآن. سبطين.
- فدرستون، میک. (۱۳۸۰). زندگی قهرمانی و زندگی روزمره (هاله لاجوردی، مترجم). ارغنون، ۷(۱۹)، ۱۵۹-۱۸۶.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۲۰۰۰ م). لطائف الإشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم. الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- لاجوردی، هاله. (۱۳۸۴). نظریه های زندگی روزمره. مطالعات جامعه شناختی، ۱۲(۲۶)، ۱۲۳-۱۴۰.
- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم والمواعظ (للیثی). بی تا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۳). فطرت. انتشارات صدرا.
- منادی، مرتضی. (۱۳۸۵). جامعه شناسی خانواده. دانه.
- نراقی، مولا احمد. (۱۳۸۶). معراج السعادة. قائم آل محمد.
- وریج کاظمی، عباس؛ و فرجی، مهدی. (۱۳۸۲). عرفی شدن و زندگی روزمره. مطالعات جامعه شناختی، ۱۱(۲۱)، ۲۴۳-۲۷۰.

David Harvey. (1990). (Afterword in) Lefebvre, Henri. (The Production of Space, D. Nicholson-Smith trans. Basil Blackwell.

Lewis, noman. (1961). the new roget `s thesaurues in dictionary form. patnam `s sons.

Shields, Rob. (2011). "Henri Lefebvre" in "key thinkers on space and place" edited by Phil Hubbard and Rob Kitchin London. sage.

Exploring the Concept of Everyday Culture from the Perspective of the Holy Quran

Received: 2023/11/30
Accepted: 2023/03/16

[10.22034/JKSL.2024.426545.1281](https://doi.org/10.22034/JKSL.2024.426545.1281)
[20.1001.1.27833356.1403.5.2.4.4](https://doi.org/20.1001.1.27833356.1403.5.2.4.4)



*Zahra Sarfi



** Mohadeseh Karimi Nia

Type of Article: Researching

Abstract

"Everydayness" is a term from the modernist era that has ensnared the modern human being. Everydayness involves the repetitive cycle of daily life, focusing on lowly goals devoid of growth. Given the prevalence of the challenge of "everydayness" in contemporary times, this research aims to describe this concept in the Holy Quran within an analytical-descriptive framework. There is no explicit and clear literal equivalent for the term "everydayness" in the Holy Quran. However, through studying and analyzing Quranic verses, it is found that a wide range of verses referring to worldly life and material lifestyles encompasses elements of everydayness. It is crucial to note that while humans are inevitably engaged in daily life, this differs from the concept of everydayness. Thus, in the Holy Quran, these two topics are distinguished from each other. The Quran discourages humans from indulging in meaningless repetitions and lowly goals, and from any stagnation and lack of growth over time, instead warning against decline and downfall. Engaging in trivial daily activities and neglecting genuine growth and perfection prevents humans from understanding the true meaning of life and leads to depression. The extent to which these symptoms appear in a person's life indicates their affliction with everydayness.

Keywords : Everydayness, Daily Life, Repetition, Lowly Goals, Lack of Growth

*. Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding author) .

sarfi@alzahra.ac.ir

** Master's Degree in Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.





Introduction:

Everydayness is a significant cultural feature of the modern era, often regarded as a cultural crisis that diminishes human agency and leads to obliviousness to one's existential state. Given its importance, various researchers have examined this issue. Notable works include Henri Lefebvre's "Critique of Everyday Life," Morteza Monadi's "Sociology of Family," Haleh Lajvardi's article "Theories of Everyday Life," and Mohsen Shamim Zarei's article "Confronting the Disease of Everydayness." However, no study has yet addressed the concept of everyday life in the Quran independently, despite the Quran being a healing guide and a path to perfection. This research aims to analyze the components of the concept of everyday life from the Quranic perspective by directly studying the Quran and extracting relevant verses.

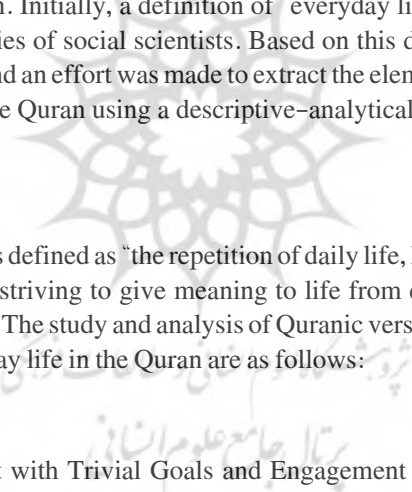
Research Method:

This study is documentary research that gathers data from various sources, specifically the Quran. Initially, a definition of "everyday life" was established using the works and studies of social scientists. Based on this definition, the Quranic verses were studied, and an effort was made to extract the elements of the concept of everyday life from the Quran using a descriptive-analytical method.

Findings:

Everydayness is defined as "the repetition of daily life, limited to lowly goals, devoid of growth, and striving to give meaning to life from external sources and through trivial matters." The study and analysis of Quranic verses reveal that the key components of everyday life in the Quran are as follows:

1. Contentment with Trivial Goals and Engagement in Worthless Repetitions: In many Quranic verses, the root word "م ت ع" is used in the form of "متاع" and "تمتع" to describe a lifestyle where the goal is merely worldly enjoyment, devoid of righteousness and salvation: "Like those before you who were mightier than you in strength and more abundant in wealth and children; they enjoyed their share of worldly enjoyment, and you enjoyed your share just as those before you enjoyed their share, and you have indulged as they indulged. Their deeds have become worthless in this world and the Hereafter, and they are the losers" (Tawbah: 69). Followers of this lifestyle have nothing but fleeting pleasures and vain desires, reducing their dignity to that of animals: "Leave them to eat and enjoy themselves and be diverted by [false] hope, for they are going to know" (Hijr: 3). The use of present tense in "يَأْكُلُوا" and





“يَتَمَتَّعُوا” indicates the continuous nature of their actions and their enslavement to such repetitive behaviors.

2. Deviation from True Human Perfection and Seeking External Meaning in Life: Almighty God, in various Quranic verses, refers to the world as “adornment”: “Beautified for people is the love of that which they desire – of women and sons, heaped-up sums of gold and silver, fine branded horses, and cattle and tilled land. That is the enjoyment of worldly life, but Allah has with Him the best return” (Aal-e-Imran: 14). The heedless individual, instead of focusing on true perfection, is preoccupied with these adornments and seeks false meaning in life through these five manifestations: “Know that the life of this world is but amusement and diversion and adornment and boasting to one another and competition in increase of wealth and children. It is like the example of rain whose [resulting] plant growth pleases the tillers; then it dries and you see it turned yellow; then it becomes [scattered] debris. And in the Hereafter is severe punishment and forgiveness from Allah and approval. And what is the worldly life except the enjoyment of delusion?” (Hadid: 20).

3. Lack of Ambition and Stunted Growth: Humans inherently desire perfection, and stagnation and inaction are not desirable to them. However, being immersed in mundane life and the prevalence of certain traits, such as hedonism and comfort-seeking, distances them from this inherent desire.

As a result, their limited desires and ambitions become focused on trivial matters like food and lust, leading to stagnation. Almighty God states: “Leave them to eat and enjoy themselves and be diverted by [false] hope, for they are going to know” (Hijr: 3) and also: “So leave them to converse vainly and amuse themselves until they meet their Day which they are promised” (Zukhruf: 83).

4. Neglect of the True Meaning of Life: Undoubtedly, the most crucial factor in fostering growth and dynamism in life is having goals or aspirations. A person will benefit from a life imbued with growth only if they consciously choose a goal for themselves. However, ignorance of the true philosophy of life or neglecting it causes one to be satisfied with worldly life: “They rejoice in the worldly life” (Ra’d: 26). From the Quranic perspective, by neglecting the true meaning of life, one becomes concerned only with the superficial aspects of the world and does not focus on its essence, which is the field of the Hereafter: “They know what is apparent of the worldly life, but they, of the Hereafter, are unaware” (Rum: 7). Consequently, they become inclined and

attached to worldly pleasures, neglecting God, thus becoming slaves to their desires and indulging in excessive hedonism. Such an individual is not only uninterested in growth and excellence but will not choose the path of growth even if it is shown to them: "And if they see every sign, they will not believe in it. And if they see the way of righteousness, they will not adopt it as a way; but if they see the way of error, they will adopt it as a way" (A'raf: 146). Ultimately, the life of such a person revolves around material needs and the repetition of fulfilling them, leading to a life devoid of spiritual and intellectual growth, transforming human life into a purpose-driven journey.

Conclusion:

In conclusion, while the concept of "everydayness" is not explicitly mentioned as a specific term in the Quran, which is the healing prescription for human ailments and a guide to human happiness, the Quran has addressed this issue in its unique way and has warned humanity against falling into the trap of this problem through various verses.

How to cite

Sarfi, Z., & Karimi Nia, M. (2024). Exploring the Concept of Everyday Culture from the Perspective of the Holy Quran. *Quran, Culture And Civilization*, 5(2),87 -103. doi: 10.22034/jksl.2024.426545.12814

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



References

- Holy Quran. (translated by Fooladvand.) [in Persian]
- Nahj al-Balagha .(edited by Subhi Salih).[in Arabic]
- Amin, N.-B. (n.d.). Tafsīr Makhzan al- 'Irfān in Quranic Sciences. No Publisher. [in Persian]
- Amiri, N.; and Rezapour, A. (2012). Henri Lefebvre and the Social Production of Space. *Culture and Media*, 2(4), 1-18. [in Persian]
- Boroujerdi, A. H. (2007). *Jāmi' Aḥādīth al-Shi'a* (by Boroujerdi). Al-Sohof. [in Arabic]
- Dehkhoda, A.-A. (1998). Dehkhoda Dictionary. Dehkhoda Dictionary Institute and University of Tehran. [in Persian]
- Eskandarloo, M. J. (2021). ISLAMIC AND WESTERN LIFESTYLE; BASICS AND APPROACHES. *The Qur'an And Science*, 14(27), 9-28. doi: 10.22034/QVE.2021.5354. [in Persian]
- Featherstone, M. (2001). Heroic Life and Everyday Life (translated by Haleh Lajvardi). *Arganooon*, 7(19), 159-186. [in Persian]
- Henry, D. (1990).(Afterword in)Lefebvre, Henri .(The Production of Space, D. Nicholson-Smith trans. Basil Blackwell.
- Husseini Hamadani, M. (1984). *Anwār al-Dirakshān* in Tafsīr al-Quran. Lotfi Publications. [in Persian]
- Ibn Bābiwayh, M. A. (1997). *al-Amān* (by al-Saduq). Nasim Kowthar. [in Arabic]
- Ibn Faḥd Ḥillī, A. M. (1987). 'Uddat al-Dā'ir wa Najah al-Sā'ir. Islamic. [in Arabic] Knowledge Institute.
- Izadi, L. (2010). *Saba Dictionary*. Adib. [in Persian]
- Jalali, T. (1975). *Basic Dictionary of Persian and Foreign Words Used in the Persian Language*. Ibn Sina Library. [in Persian]
- Laithī Wāsiṭī, A. M. (1997). 'Uyūn al-Ḥikam wa al-Mawā'idh (by Lithy). No Publisher. [in Arabic]
- Lajvardi, H. (2005). Theories of Everyday Life. *Sociological Studies*, 12(26), 123-140. [in Persian]
- Monadi, M. (2006). *Sociology of the Family*. Danjeh. [in Persian]
- Motahari, M. (2014). *Fiṣrat*. Sadra Publications. [in Persian]
- Narāqī, M. A. (2007). *Mi'rāj al-Sa'ādah*. Qa'em Al-Muhammad. [in Persian]
- Noman, L.)1961 .(The New Roget's Thesaurues in Dictionary form. Patnam's Sons.
- Qushayrī, A. K. H. (2000). *Laṭā'if al-Ishārāt: A Complete Sufi Commentary on the Quran*. The Egyptian General Book Organization. [in Arabic]
- Rāghib Isfahānī, H. M. (1991). *Mufradāt Alfāz al-Quran*. Dar al-Qalam. [in Arabic]
- Rob, S. (2011). Henri Lefebvre" in "Key Thinkers on Space and Place, edited by Phil Hubbard and Rob Kitchin London. sage.
- Shamim, A. A. (2000). *Shamim Dictionary* (corrected by Esmat Esmaili). Modabber.
- Shams Zare, M. (2014). Combating the Disease Named Everydayness. *Eslaah and Tarbiat*, 19(148), 28-29. [in Persian]



- Ṭabātabāī, M. H. (1982 CE). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Quran*. Al-A'jami Institute for Publications. [in Arabic]
- Ṭayyeb, A.-H. (1990). *Aḡyab al-Bayān fī Tafsīr al-Quran*. Sibṭayn[in Persian] .
- Thabit, S. (2012). The Art Reclaims the City. *Sooreh Andisheh*, 10(64-65), 220-223. [in Persian]
- Varij Kazemi, A.; and Faraji., M. (2003). Secularization and Everyday Life. *Sociological Studies*, 11(21), 243-270[in Persian]



COPYRIGHTS

@2023 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

